

آشنایی با عملیات سرنوشت ساز



بسیاری از کارشناسان و تحلیل گران مسایل جنگ تحمیلی، مقطع زمانی عملیات والفجر 8 تا کربلای 4 را مشکلترین، و در عین حال، پربارترین سالهای دفاع مقدس می نامند.

شرایط حاد سیاسی و اقتصادی تحمیل شده از سوی دشمنان جهانی انقلاب اسلامی، در این سال، بیشترین تهدیدها و طاقت فرساترین فشارها را متوجه مسئولین جنگ کرد. این فشارها موجب پدیدآمدن تنگناهایی عمده شد که در وهله اول به نظر بن بست آفرین می آمد.

در این میان، پیروزی در عملیات بی نظیر والفجر 8 و فتح فاو، به عنوان یک عامل قوی حفظ موازنه همچنان خود را نشان می داد. عراق هم شیوه دفاع متحرک را در برابر پیروزی ایران تعریف کرد. ایرانیها نیز در یک سلسله عملیات، فرمول جدید متجاوز را شکستند تا بالاخره در 19 دی ماه 1365 عملیات سرنوشت ساز رزمندگان ایران با هدف تسلط بر شهر بصره با موفقیت انجام شد.

دو عامل باعث شد تا سپاه که بیشتر در فکر آماده سازی عملیات گسترده بعدی بود ضمن بازنگری مجدد در خطوط پدافندی نیروهای خودی، عملیات محدود را سر لوحه برنامه های خود قرار دهد.

عامل اول تأکید مکرر حضرت امام(ره) که پس از عملیات فاو طی چندین نوبت و به طور مکرر، در فرمایشات خود رزمندگان اسلام را به استمرار عملیات دعوت می فرمودند: «شما در جبهه ها، هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن، اگر بگذارید آرامش پیدا کند، می رود و تجهیز زیادتیر می کند و شما را به زحمت می اندازد.

باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید. الآن در اضطراب هستند؛ نگذارید از اضطراب بیرون بیایند. باید عملیات کنید، ولو ایزدایی". فرمایشات و تأکیدات فوق، مسئولین سپاه را بر آن داشت که به هر نحو شده، تا زمان فرا رسیدن عملیات بزرگ، دست به یک سری عملیات محدود بزنند.

این تأکیده های مستمر امام در آغاز سال و در حالی که نیروهای رزمنده از پیروزی عظیم فاو - شادمان - به نظر می رسیدند، موجب تعجب بسیاری گردید، اما با آغاز دفاع متحرک عراق و حمله به مهران و چند نقطه دیگر از مناطق خودی، اهمیت این سخنان به طور مشخص آشکار شد.

عامل دوم ضرورت مقابله با استراتژی دفاع متحرک دشمن بود که عملیات محدود و ایزدایی در مقطع فوق‌الذکر تنها راه‌حل فوری و عملی بود که دشمن را از سیاست تهاجمی به انفعال و زبونی می‌کشاند بر همین اساس و برای تحقق اهداف فوق، سپاه، چندین نقطه را به عنوان مناطق عملیات محدود، انتخاب کرده، پس از طرح‌ریزی و تعیین سازمان رزم، دست به انجام عملیات زد.

مناطق انتخاب شده برای انجام عملیات، نقاطی بودند که عراق در تهاجمات اخیر خود، آنها را به تصرف درآورده بود (مهران) و یا احتمال حمله عراق به آنها می‌رفت (جزیره جنوبی)؛ و یا اینکه از لحاظ پدافندی، نقاط ضعفی در آن دیده می‌شد. در ادامه به کلیات اهداف چند عملیات که با این هدف انجام شد می‌پردازیم.

3 عملیات کربلایی

با تأکید حضرت امام(ره) مبنی بر آزادی مهران، رزمندگان اسلام در ساعت 22:30 دقیقه نهم تیرماه 1365، با یورش به مواضع دشمن از 4 محور عملیات کربلای 1 را آغاز کرده و طی 5 مرحله که 7 شبانه روز به طول انجامید شهر مهران را آزاد کرده و با 100 درصد موفقیت اهداف عملیات را تأمین نمودند.

این عملیات پایانی بود بر استراتژی دفاع متحرک و منفعل شدن سیاست تهاجمی دشمن. 10 شهریور 65 هم در منطقه حاج عمران با شرکت 28 گردان از سپاه کربلای 2 انجام شد.

سپس نوبت به نیروی دریایی سپاه رسید تا عملیات کربلای 3 را در 19 شهریور 1365 در شمال خلیج فارس به انجام رساند. در این عملیات، لشکر 14 امام حسین (ع) با سه گردان شرکت داشت. هدف از انجام عملیات، تصرف اسکله‌های البکر و الامیه بود. تصرف این اسکله‌ها که 32 کیلومتر تا ساحل فاصله داشتند، این امکان را برای ایران فراهم می‌کرد که ضمن تأمین جناح جنوبی در منطقه فاو، جزیره بویان کویت را نیز در معرض تهدید قرار دهد.

جنگ شهرها

حملات هوایی دشمن، که به دنبال مطرح شدن عملیات سرنوشت‌ساز و همچنین شکست دشمن در عملیات‌های کربلای 1 و 2 و 3، در تیر و شهریورماه تشدید شده بود، ادامه یافت و طی ماه‌های شهریور، مهر و آبان 1365، مناطق صنعتی، کارگری، اقتصادی و نفتی و نیز شهرها و مناطق مسکونی و مناطق عملیاتی زیر شدیدترین حملات هوایی و بمباران‌های دشمن قرار گرفتند.

عراق از این کار دو هدف را دنبال می‌کرد، یکی هدف کوتاه مدت که جلوگیری از اجرای عملیات سرنوشت‌ساز بود. دیگری هدف بلندمدت که انهدام منابع ارزی و درآمد کشور و همچنین به ستوه آوردن مردم و برانگیختن مخالفت آنها با جنگ و در نتیجه تسلیم جمهوری اسلامی و پذیرش آتش‌بس به نحوی که مطلوب رژیم عراق باشد، بود.

افزایش توان هوایی عراق و دسترسی به نقاطی که قبل از این در توان عراق نبود، علاوه بر این که به دلیل واگذاری تجهیزات و هواپیماهای پیشرفته‌ای بود که شوروی و فرانسه در اختیار عراق گذاشته بودند، مرهون همکاری کارشناسان آمریکایی بود. بیشترین حملات عراقی‌ها طی این مدت به باختران صورت گرفت.

همچنین طی این مدت تأسیسات نفتی خارک و نقاط مسکونی و صنعتی اصفهان، اراک، تهران، سردشت، خرم‌آباد، تبریز، لرستان، شیراز، آغاچاری، هفت‌تپه، گیلان‌غرب، آبادان، پتروشیمی بندر امام، راه‌آهن اندیمشک، و سدهای دز و شهید عباس‌پور زیر حملات شدید هوایی دشمن قرار گرفت.

جنگ نفت‌کش‌ها

عراق جنگ نفت‌کش‌ها را با دو هدف به راه انداخت و آن را دنبال کرد. هدف اول در راستای همان حملات هوایی یعنی حمله به تأسیسات نفتی و صنعتی بود تا با جلوگیری از صدور نفت ایران، جمهوری اسلامی را در تنگنای اقتصادی قرار دهد و دوم این‌که با پیش‌بینی اقدام متقابل ایران، در تلاش بود تا دیگر کشورهای منطقه را نیز به طور مستقیم وارد درگیری کرده، جنگ را بین‌المللی کند تا از فشارهای وارد بر خود بکاهد.

مک‌فارلین

در آبان 1365 در وضعیتی که ایران تحت فشار همه‌جانبه‌ای قرار گرفته بود، افشای ماجرای مک‌فارلین به عنوان مهمترین تلاش سیاسی پنهان آمریکا برای برقراری رابطه با ایران و به دست‌گیری ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق، اوضاع سیاسی - نظامی جنگ را در موقعیت جدیدی قرار داد.

تلقی عراق از اهداف و نتایج نهایی تلاشهای آمریکا و احتمال قربانی شدن صدام، به واکنش شدید رژیم عراق در برابر آمریکا و گرایش این رژیم به سوی شوروی منجر شد. بنابراین آمریکا و شوروی عملاً به حمایت از عراق، ایران را تحت فشار مشترک قرار دادند.

عراق نیز با توجه به موقعیتی که به دست آورده بود، می‌کوشید با استفاده از حملات هوایی، جمهوری اسلامی را در موقعیتی قرار دهد که هر چه سریعتر از ادامه جنگ دست کشیده و از تنبیه متجاوز عدول کند.

عملیات سرنوشت‌ساز

از اوایل سال 65 سلسله تلاشهای وسیعی به منظور طرح ریزی و آماده‌سازی عملیات «سرنوشت‌ساز» صورت گرفت. چنین ارزیابی می‌شد که گرچه پیروزی فاو تأثیرات قابل ملاحظه‌ای در تقویت موقعیت برتر جمهوری اسلامی داشته است، ولی حامیان منطقه‌ای و جهانی عراق هنوز حاضر به تأمین حقوق ایران نیستند، بنابراین اگر رزمندگان اسلام یک عملیات تعیین‌کننده را با موفقیت به انجام برسانند، تحقق خواسته‌های جمهوری اسلامی تسهیل خواهد شد.

بر اساس چنین تحلیلی، بیش از شش ماه سیاست تبلیغاتی کشور در جهت بسیج نیرو و امکانات برای اجرای عملیات سرنوشت‌ساز متمرکز شد. تا اینکه در سوم دی‌ماه 1365 عملیات کربلای 4 آغاز گردید. عملیاتی بسیار پیچیده و سخت که هدف نهایی آن تصرف شهر ابوالخصب واقع در جنوب اروندرود و حومه بصره بود. با شروع عملیات کربلای 4 مشخص گردید که تاکتیک ویژه عملیات لو رفته و دشمن از آن آگاهی کامل دارد. برای همین طی زمانی کوتاه دستور توقف عملیات صادر شد.

نتیجه عملیات کربلای 4 به شکل نامطلوبی موقعیت برتر ایران را که با فتح فاو حاصل شده بود، تحت تأثیر قرار داد و شرایطی بحرانی به وجود آورد. ضرورت تجدید و تثبیت موقعیت برتر، نیاز به تلاشی سریع و وسیع داشت.

پنجمین کربلا

تلاش برای اجرای عملیات پیروز سرنوشت‌ساز، جوهره و هسته اصلی طرح‌ریزی عملیات کربلای 5 را تشکیل می‌داد. در هم شکستن مستحکم‌ترین و پیچیده‌ترین مواضع دشمن در شرق بصره و در نتیجه حفظ برتری سیاسی - نظامی در برابر عراق، بخشی از دستاوردهای این عملیات است. همچنین موفقیت‌های جمهوری اسلامی ایران و احتمال پیروزی نظامی قریب‌الوقوع آن، دنیا را به این نتیجه رساند که راههای به پایان رساندن جنگ را با تصویب قطعنامه 598 هموار سازد.

زمینه‌های یک قطعنامه

زمینه‌های تصویب قطعنامه 598 پس از پیروزی عملیات کربلای 5 چیده شد. به دنبال این عملیات بود که غرب و شرق قطعنامه‌ای را که در آن برای اولین بار به نظرات ایران توجه شده بود، تصویب کردند.

عراق که نظام بین‌الملل را جای خود می‌دانست و تصویب قطعنامه را به عنوان راه حلی برای نجات خود از حملات جمهوری اسلامی تلقی می‌کرد، بلافاصله آن را پذیرفت. البته مواد قطعنامه به نفع عراق تنظیم نشده بود، زیرا در این صورت نمی‌توانست نظر تهران را جلب کند، برای همین عراق نیز به آن با سوءظن می‌نگریست ولی امیدوار بود که در صورت پذیرش قطعنامه از سوی ایران و با توجه به عدم حمایت دو بلوک قدرتمند شرق و غرب از ایران و متقابلاً حمایت آنان از عراق، ضمن اینکه از ادامه تحمیل فشار نظامی ایران نجات پیدا کند، بر سر اجرای مواد قطعنامه نیز بتواند با حمایت همپیمانان خود، مانع از تحقق خواسته‌های ایران شود. جمهوری اسلامی نیز متقابلاً با درک این مسأله کوشید تا پذیرش قطعنامه را منوط به رفع ابهام آن کرده و منافع ایران را در آن صراحت بخشد.

لیکن، دنیا حاضر به اعتراف صریح به حقوق جمهوری اسلامی نشد بلکه با حضور مستقیم نظامی در خلیج فارس و ورود نظام بین‌الملل در جنگ، کوشید قطعنامه را به ایران اسلامی تحمیل کند. در همین راستا تمام همپیمانان عراق از آمریکا و شوروی گرفته تا آلمان، انگلیس و فرانسه بطور سرسام‌آوری تجهیزات عراق را تقویت کردند و سلاح‌های مرگبار در اختیار آن گذاشتند تا به هر نحو ممکن مانع از پیروزی ایران اسلامی شوند.

این در موقعیتی بود که جمهوری اسلامی در یک محاصره اقتصادی طولانی به سر می‌برد و حتی در تهیه امکاناتی چون خودرو و وسایل بی‌سیم نیز در فشار بین‌المللی قرار داشت. در چنین شرایطی قطعنامه 598 به جمهوری اسلامی تحمیل شد.

اما به لطف خداوند، پس از پذیرش قطعنامه با اوضاعی که در جهان پیش آمد، از جمله واقعه سلمان رشدی و تهاجم عراق به کویت، نه تنها موقعیت جمهوری اسلامی در جهان مجدداً تثبیت شد، بلکه این قطعنامه بیش از آنکه برای عراق سودی داشته باشد، ابزاری در دست ایران اسلامی شد تا توسط آن حقوق خود را محقق سازد.